



«خانه ما» نزدیک ترین و کم فیلترترین تصویر از زندگی واقعی خانواده های ایرانی را نشان می دهد؛ نمایش این گزاره در تلویزیون ما شاید در نگاه اول ساده به نظر برسد، اما نه! تعریف ها و استانداردهای تلویزیون اجازه این کار را نمی دهد و از طرفی فرهنگ عمومی مادر مقابل این موضوع مقاومت می کند

فایده های

ویژه نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۲۹ تیر ۹۸ • شماره ۶۷۴

دربین

۳

چرا «خانه ما» مستند - مسابقه جذاب، اما کمتر دیده شده و قدرندیده ای است؟

آینه در آینه شد، دیدمش و دید مرا

«خانه ما» مستند - مسابقه و رئالیتی شوی جذابی است، چون صمیمی است و باورپذیر می کنیم. چون قالب های خشک و سنتی برنامه های تلویزیونی را می شکند. چون بابی رحمی آینه خودمان و کنش ها و واکنش ها مان می شود. چون تنبلی نمی کند و از

علی سیف الهی
روزنامه نگار

شیوه نمایش سبک زندگی گره می خورد به شناسایی دقیق رابطه ما با آدم های دیگر، با شهر، با طبیعت و با زندگی. همه این ها برای شهرت و محبوبیت یک برنامه تلویزیون کفایت می کند، اما رازهای جذابیت و البته مهجور ماندن «خانه ما» در چیزهای دیگری است.

پی نوشت: عنوان متن، مصرعی از شعر «آینه در آینه» جناب هوشنگ ابتهاج است

تهران رسیده به اصفهان، اهواز، رشت، شیراز و مشهد. چون هر بار خودش را اصلاح می کند و به کم رضایت نمی دهد. چون ایده هایش را کمتر تکرار می کند و خلافت دارد. چون فقط در خانه نمی ماند و می زند به دل دشت و کوه و بیابان و بازار. چون بی شعار و به معنای واقعی کلمه یک برنامه خانوادگی است. چون برخلاف برداشت سطحی ترویج ریاضت اقتصادی، این

مثل یک تئاتر چند لایه

امین کفاش زاده، یکی از کارگردان های خانه ما تعبیر دقیقی درباره کارشان دارد: «می گویند تئاتر یک خانه است که دیوارهایش را برداشته اند، اتاقی با سه دیوار. خانه ما همین کار را می کند. چیزهایی را به مردم نشان می دهد که خودشان با آنها دست به گریبان هستند.» در خانه ما همه ما «فضولی» های مجازی انجام می دهیم چون دوست داریم زندگی بقیه را با خودمان مقایسه کنیم و مشکلات مان را در زندگی آنها هم ببینیم. دلمان می خواهد بدانیم روابط پدر و پسرها همه جا همین شکلی است؟ واقعا همه پدر و مادرها برای پول توجیبی دادن به بچه ها سخت و سخت می گیرند؟ بیرون از خانه ما هم مامان ها بیشتر حواسشان به زندگی است؟ هر چقدر این فضولی در خانه ما واقعی تر باشد، جذاب تر است.

خانه ما نزدیک ترین و کم فیلترترین تصویر از زندگی واقعی خانواده های ایرانی را نشان می دهد؛ نمایش این گزاره در تلویزیون ما شاید در نگاه اول ساده به نظر برسد، اما نه! تعریف ها و استانداردهای تلویزیون اجازه این کار را نمی دهد و از طرفی فرهنگ عمومی ما در مقابل این موضوع مقاومت می کند. چالشی سخت برای تیم تولیدکننده خانه ما که تا حد خیلی خوبی از پس آن برآمده اند. خانه ما همان کاری را می کند که مستند تحسین شده «در جست و جوی فریده» انجام می دهد. در آن مستند لایه اول، داستان دختری است که دنبال خانواده اصلی اش می گردد، اما در لایه بعدی چیزهای زیادی درباره فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها و رفتارهای ایرانی ها گیرمان می آید. اینجا هم مهمانی دادن و ماموریت نجات جهان و سرگرم کردن بزرگ ترها و... بهانه هایی است برای شناسایی دقیق تر ما. این «ما» که هر کدام بخشی از سبک زندگی ایرانی را نمایندگی می کنیم و همیشه به اشتباه دلمان می خواهد در پوشش و سر و شکل ظاهری زندگی و شخصیت پردازی شبیه کاراکترهای از واقعیت فاصله گرفته سریال های تلویزیونی باشیم. خانه ما سند دقیق و معتبری است از زندگی نیمه سنتی و نیمه مدرن و واقعی ما ایرانی ها در دهه ۹۰.

رازگشایی از شخصیت ها

قصه ها دو جزء اصلی دارند: وقایع و شخصیت ها. همیشه می توان شخصیت ها را فارغ از حوادث و اتفاقات و به صورت مجزا و خیلی ساده کالبدشکافی و دسته بندی کرد. می توان به آنها برچسب های مشخص زد. الگوها و تیپ های از پیش تعیین شده: آدم متظاهر، بچه تخس، آدم خوشبین، بی عرضه، غرغرو، پخمه، زودرنج و... اما برای شناخت دقیق پیچیدگی های یک شخصیت باید او را در برابر سیر وقایع و در معرض آزمون ها و چالش ها قرار داد. در واقع روایت این شخصیت ها در دل وقایع، راه شناخت آنهاست. یخ خانه ما با همین شیوه اصولی می گیرد.

ارسطو می گوید: «شخصیت کیفیت های مختلف را به ما عرضه می کند، اما سعادت یا شقاوت ما در گرو کنش ها (رفتارمان) است. به این سبب، نمایش برای نمایاندن شخصیت ها نیست. وجود شخصیت های مختلف در نمایش برای نشان دادن سیر وقایع [کنش ها] است. از این رو، هدف و غایت تراژدی سیر وقایع درون نمایش - یعنی همان پیرنگ - است و در هر چیزی هدف و غایت تقدم دارد.»

گذر شخصیت های خانه ما از دل آتش ها، پیچیدگی هایی را نمایش می دهد که در حالت عادی آنها را نمی بینیم. ما همیشه در برنامه ها مان آدم های اتوکشیده و لفظ قلم و بالین می بینیم، اما خانه ما با طراحی خلاقانه چالش ها، این مقاومت در برابر واقعی بودن را می شکند. سیر وقایع از شخصیت تفکیک ناپذیر است، اما آنچه به سیر وقایع اهمیت می بخشد، رازگشایی از شخصیت است. نظریه پردازان می گویند شخصیت ها به طور کلی بر دو نوع هستند: شخصیت های ساده و پیچیده. شخصیت های ساده و مسطح، پیچیدگی پنهانی و به تعبیری عمق ندارند.



شخصیت های ساده در آثار کم دی، هجویه ها و ملودرام ها فراوان پیدا می شوند و رفتارهای قابل پیش بینی محدودی دارند. در این شخصیت ها هیچ شکاف اسرار آمیزی برای پر کردن وجود ندارد، چون هر چه هست جلوی چشمان مان است.

دسته دوم شخصیت های پیچیده اند که عمق و پیچیدگی های مختلفی دارند. این شخصیت ها را نمی توان در یک عبارت خلاصه کرد. شخصیت های ساده ممکن است بسیار بامزه، خنده دار و مناسب نمایش در یک برنامه تلویزیونی باشند و هجویه ها برای تاثیرگذاری بیشتر ممکن است سوژه هایشان را به شخصیتی ساده تقلیل دهند، اما از قرار معلوم، پیچیدگی شخصیت های پیچیده به واقعیت ما انسان ها نزدیک تر است. «خانه ما» این راز را می داند و ترجیح می دهد آدم های پیچیده را انتخاب کند و نمایش بدهد. آدم هایی که در تنش و استرس دیگر آدم های مهربان و صرغه جو و شیک قبلی نیستند. به هم می ریزند و دیگر زن و شوهرشان را با «خانم» و «آقا» و فامیلی صدا نمی کنند. خانه ما روایتی آرام و جذاب از شخصیت ها در برابر سیر وقایع است.

جذابیت بدون حضور چهره ها

محبوب ترین برنامه های این روزهای تلویزیون چرا به مذاق بیننده ها خوش آمده اند؟ به این پرسش نمی توان جواب مطلق داد، اما بیشتر آنها در چند ویژگی اشتراك دارند. بیشتر برنامه هایی که این روزها بیشتر دیده می شوند، فارغ از قضاوت درباره کیفیت شان، سلبریتی (چهره معروف) دارند. یک یا چند چهره مشهور که مجری یا مهمان یا داور و کارشناس آن هستند.

«عصر جدید» احسان علیخانی و امین حیایی و رویا نونهالی دارد، «خندوانه» روی انگشت رامبد جوان می چرخد، «دورهمی» با مهران مدیری هویت دارد، «برنده باش» با محمدرضا گلزار دیده می شد و... اگر فقط پای چهره های معروف در میان نباشد، یک طرف دیگر مهمان های عجیب و غریب حضور دارند. آدم هایی که رکوردهای گینس را جابه جا کرده اند، از حلقه آتش می پرند، با طاب خودشان را



از سقف آویزان می کنند و... بله، استفاده از این ترفندها و ویژگی ها جذابیت می آفریند و از اصول برنامه سازی و حق سازندگان و سیاستگذاران تلویزیون است، اما افراط در این رویکرد دو مساله را

در پی داشته؛ ذائقه مخاطب عمومی به این زرق و برق ها گرفتار شده و به برنامه هایی با ژانر و سر و شکل و سناریوی دیگر فرصت عرض اندام نمی دهد. برنامه هایی مثل خانه ما که از همه این زرق و برق ها دور شده و می خواهد راوی آرام و باورپذیر و صمیمی واقعیت زندگی و آدم ها باشد. عوارض دیگر این رویکرد افراطی برنامه سازی، توجه عجیب و غریب و اشتباه رسانه ها به این رویکرد است. اکثر رسانه های ما به جای ارتقای سلیقه مخاطب و ذائقه سازی با دستاویزهای محکم و عمیق، روی موج هایی سوار می شوند که «لایک» بیشتری بگیرند. نتیجه این می شود که ردی از خانه ما در آنها پیدا نیست و در معتبرترین هایشان خبری با این تیت در صفحه یک منتشر می شود: «حمید فرخ نژاد سوار بر موتور خفنش + عکس!» هیچکاک می گوید درام یعنی زندگی واقعی با حذف قسمت های کسالت آور، بله، خانه ما کار سخت تر و قسمت های کسل کننده را انتخاب کرده و «سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزل ها».